



علت نامیده شدن امام مهدی (عج) به طرید چیست؟

اصبغ بن نباته نقل می کند که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «صاحب این امر، شرید (آواره)، طرید (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است.»

اصبغ بن نباته نقل می کند که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «صاحب این امر، شرید (آواره)، طرید (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است.»

به گزارش خبرنگار مهر، از اصبغ بن نباته نقل شده: از امیرالمؤمنین (ع) شنیدم که می فرمود: «صاحب این امر، شرید (آواره)، طرید (رانده)، فرید (تک) و وحید (تنها) است» (۱)

عیسی خشاب گوید: به امام حسین (ع) گفتم: آیا شما صاحب الامر هستید؟

فرمود: «خیر، لیکن صاحب الامر طرید (رانده شده) و شرید (آواره) است و خونخواه پدرش و دارای کنیه عمویش می باشد.» (۲)

داوود بن کثیر رقی- از یاران برجسته امام موسی کاظم (ع) - می گوید: از امام ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) درباره صاحب این امر پرسیدم. ایشان فرمودند: «او طرد شده تنها، غریب، پنهان از نزدیکانش و به خاطر کشته شدن پدرش مظلوم است.» (۳)

امام رضا (ع) از پیامبر اکرم (ص) روایت می کند که فرمودند: «فدای آن فرزند بهترین کنیزان ... آن تنهای یگانه و رانده شده که انتقام خون پدر و جدش را نگرفته است، آن که صاحب غیبت طولانی است و در موردش گفته می شود: مرده، یا کشته شده، معلوم نیست در کجاست؟» (۴)

برای پاسخ به چرایی نامیده شدن امام (عج) به این القاب، به توضیح مختصری در خصوص القاب ذکر شده در روایات فوق می پردازیم.

شرید

حاجی نوری (ره) در معنای «شرید» می گوید: «رانده شده از مردمی که آن حضرت را شناختند و قدر وجود نعمت او را ندانستند و در مقام شکر گزاری و مقام حقش بر نیامدند؛ بلکه پس از این که از دست یافتن بر او ناامید شدند، به قتل و قمع ذریه طاهره ایشان پرداختند و به کمک زبان و قلم، سعی بر بیرون راندن نام و یاد او، از قلوب و اذهان مردم کردند.» (۵)

فرید، وحید

«فرید» و «وحید» - یعنی تنها- به کسی گفته می شود که متناسب با شأن و مقام خود، یاران همراه نداشته باشد، «کسی به او مراجعه نکند» و «اعوان و انصار نداشته باشد.» (۶)

اگر ایمان علاوه بر اعتقاد، مؤمن را به درجه حقّ معرفت خداوند برساند و جزء خائف ترین و باورع ترین انسان ها گردد، آن ها می تواند به این که از یاران خاصّ امامش باشد، امیدوار باشد.

اما چنین مؤمنانی در هر زمان بسیار اندک یافت می شوند. امام صادق (ع) فرمودند: «زن با ایمان از مرد با ایمان کمیاب تر است و مرد مؤمن از کبریت سرخ (اکسیر) کمیاب تر است. پس کدامیک از شما اکسیر را دیده است!؟» (۷)

چنان تعداد این گونه افراد کم است که امام (ع) آن ها را از کبریت سرخ هم کم تر دانسته اند. این مثلی است در زبان عربی برای چیزهای بسیار کم یاب و یافت نشدنی! به همین جهت در انتهای حدیث فرموده اند که: کدامیک از شما آن را دیده اید؟ کنایه از این که هیچ کدام از شما آن را ندیده اید!

مؤمن واقعی در هر زمان بسیار کم یافت می شود و به همین دلیل یاران خاصّ ائمه علیهم السلام هم همیشه بسیار بسیار

«سَدیر صیرفی می گوید: بر امام صادق(ع) وارد شدم و عرض کردم: قسم به خدا خانه نشینی برای شما جائز نیست! حضرت فرمودند: چرا ای سدیر؟ عرض کردم: به خاطر زیادی دوستان و شیعیان و یاران شما! (لکثرة موالیک و شیعتک و انصارک) به خدا قسم اگر امیرمؤمنان(ع) شیعیان و یاران و دوستان شما را داشت، تیم و عدیّ (قبیله ابوبکر و عمر) نسبت به او طمع نمی کردند (خلافت را از او غصب نمی کردند).

حضرت فرمودند: ای سدیر! فکر می کنی این ها چه تعداد هستند؟ گفتم: صد هزار، فرمودند: صد هزار؟! عرض کردم: بلی (بلکه) دویست هزار. فرمودند: دویست هزار؟! گفتم: بلی و (بلکه) نصف دنیا. در این جا حضرت سکوت کردند، پس از اندکی فرمودند: می توانی با ما تا «یَنْبُع» بیایی؟ گفتم: بلی... با ایشان رفتیم تا این که وقت نماز رسید، به من فرمودند: ای سدیر، پیاده شویم نماز بخوانیم... (آن جا) جوانی را دیدند که بزغاله هایی می چراند. پس فرمودند: به خدا قسم اگر شیعیان من به تعداد این بزغاله ها بود، خانه نشین بر من جائز نبود. پس از فراغت از نماز متوجه بزغاله ها شدم و آن ها را شمردم، هفده رأس بودند!«(۹)

طرید

«طرید» به کسی اطلاق می شود که کنار گذاشته شده است. امام زمان(ع) به راستی در این زمان طرد شده هستند؛ چرا که قدر و منزلت ایشان آن گونه که باید، دانسته نمی شود و هیچ یک از مراحل شکر در برابر این نعمت عظیم الهی، به طور شایسته ادا نمی گردد. تا جایی که مردم، ولیّ نعمت خویش را کنار گذاشته اند و- فهمیده یا نفهمیده- ایشان را با قلب و زبان و عمل خویش طرد کرده اند.«(۱۰)

پنهان از آشنایان

حضرت بقیة الله(ع) به امر الهی از اهل و دیار خود کناره گیری کرده اند، به طوری که جای خالی ایشان در میان مردم و دوستان و نزدیکانشان مشهود است. به این کناره گیری از مردم، «عزلت» هم اطلاق شده است. امام صادق(ع) در بیان عزلت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده اند:

«قطعاً صاحب این امر غیبتی دارد، و قطعاً در غیبتش کناره گیری (از مردم) خواهد داشت...»(۱۱)

پس امام زمان(ع) قطعاً در زمان غیبت عزلت دارند، یعنی از مردم گوشه گیری می کنند و جائی منزل می گیرند که دور از دیدگان مردم باشد. البته غیبت حضرت بدین معنی نیست که ایشان اصلاً روی کره زمین نباشند، عزلت ایشان منافاتی ندارد با این که گاهی حضرت در میان مردم بیایند و قدم روی فرشهای آنها بگذارند. در روایت آمده است:

«(امام زمان) در بین مردم رفت و آمد می کند، در بازارهای ایشان راه می رود و روی فرشهای آنها قدم می گذارد، ولی (مردم) ایشان را نمی شناسند.»(۱۲)

گاهی اوقات، حضرت در جمع دوستان خویش حاضر می شوند، در خانه های آنها رفت و آمد می کنند و شیعیان، ایشان را می بینند، اما نمی شناسند. نتیجه این که امام زمان(ع) در زمان غیبت، با این که گاهی در میان مردم حضور می یابند، اما محل سکونت خود را دور از آنها انتخاب می کنند. پس ایشان در میان مردم، منزل ثابت و اقامتگاه دائمی ندارند. (۱۳)

غریب

غربت معانی مختلفی دارد. از جمله:

«قدر ناشناخته بودن» یکی از معانی رایج غربت است. غریب به معنای قدر ناشناخته، دو صورت دارد: یکی آن که اصلاً شناختی نسبت به او یا بعضی از کمالات و فضایل او وجود نداشته باشد. دوم زمانی که دیگران به او و کمالاتش واقف باشند، ولی آن طور که شایسته اوست، قدرش را نشناسند.

وقتی تعبیر «قدر ناشناخته» و «غریب» برای امام عصر(ع) به کار می رود، شاید تصوّر شود که مطرح کنندگان این بحث در بیان خویش مبالغه و اغراق می کنند؛ و یا گمان رود که این ادعا صرفاً بر پایه احساسات و عواطف است و جنبه عقلانی ندارد. در حالی که غربت امام(ع) امری مستدلّ و روشن است که همگان باید واقعاً به آن متذکر شوند.

نعمت حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه یک نعمت «عامّ» و فراگیر است و همه خلایق را در بر می گیرد. شیعیان و غیر

شیعیان، مسلمانان و غیر مسلمانان و حتی حیوانات و گیاهان و جمادات نیز، از نعمت وجود ایشان بهره مند می شوند و این نعمت مانند باران بر سر همه می بارد.

بنابراین شکر نعمت وجود ایشان، باید به گستردگی خود این نعمت، فراگیر باشد؛ در حالی که در حال حاضر، بر روی کره زمین، اکثر مردم نمی دانند میزبان و ولی نعمت آن ها کیست. بر سر سفره ایشان نشسته اند و نان و نمک حضرت را می خورند، اما هیچ گونه شکرگزاری نسبت به ایشان انجام نمی دهند؛ چون اصلاً نعمت وجود ایشان را نمی شناسند، تا ضرورت شکر آن را بدانند.

غربت امام در بین عده دیگری مشهودتر و ناگوارتر است. این عده، اقلیتی هستند که خدای متان، امام عصر(ع) را به آن ها شناسانده است و آن ها می دانند که آن حضرت، حجت خداست و به آن اذعان دارند، لذا در زمره شیعیان قرار می گیرند، ولی قلباً قدرشناس حضرت نیستند.

این افراد اندک، مهمانانی هستند که میزبان و ولی نعمت خود را می شناسند، اما متأسفانه غالباً او را مورد بی مهری قرار می دهند و شکر حضرتش را - چنان که باید و شاید - ادا نمی کنند.

اقلیتی که شناخت اولیه نسبت به امام زمانشان دارند، اگر حق این معرفت را ادا کنند و قلباً قدردان آن شوند، خدای متعال به فضل خود، بر معرفت آن ها می افزاید و امام(ع) را به آن ها بیشتر می شناساند. ولی گاهی این افراد، خود، مقدمات معرفت بیشتر را فراهم نمی آورند. و با کوتاهی در انجام مقدمات حصول معرفت، امام(ع) را برای خود غریب باقی می گذارند. (۱۴)

گاهی «غریب» به کسی گفته می شود که از یاد رفته است، یعنی چنان که شایسته اوست، از او یاد نمی شود. این معنا از غربت در مقابل «ذکر» است که گاهی قلبی و گاه، زبانی است.

البته ذکر «زبانی» برخاسته از ذکر «قلبی» است. وقتی قلب کسی مملو از یاد مُنعم شود، ذکر او نیز بر زبانش جاری می گردد. بنابراین غربت به معنای دوم، می تواند ناشی از فراموش شدن قلبی یا زبانی باشد.

امام عصر(ع) به خواست خداوند متعال، ولی نعمت اصلی همه مخلوقات هستند و بیشترین حقوق را بر آن ها دارند. پس باید از جهت کم و کیف و نوع و ... در بالاترین سطح ممکن، از ایشان یاد شود. اگر خداوند مورد حمد قرار گیرد، اما امام(ع) مشکور نگردد، در حقیقت شکر خدا هم ادا نشده است.

حال باید توجه کنیم که آیا امام عصر(ع) را در هر نعمتی که داریم و هر نعمتی که نداریم، مورد شکر قرار می دهیم؟! (۱۵)

یکی دیگر از معانی غریب، «فرو نهاده» یا «وانهاده» یا «واگذاشته» است. فرو نهاده به کسی گفته می شود که مهجور، متروک و معطل، باقی مانده باشد.

«مهجور» کسی است که او را کنار گذاشته باشند. متروک یعنی ترک شده، و معطل هم به معنی تعطیل شده است. (۱۶) بئر معطله نیز از القاب امام (عج) است.

با مراجعه به اهل بیت علیهم السلام می بینیم که در تفسیر «بئر معطله» فرموده اند: چه بسیار عالمی که به او مراجعه نمی شود، و از علم او بهره نمی برند. (۱۷)

متأسفانه می بینیم که تعداد بسیاری فقط اسمی از امام غائب شنیده اند، ولی هیچ گاه در صدد بهره برداری صحیح و مناسب از ایشان برنیامده اند...

اگر آب جاری و سهل الوصلی در اختیار نباشد، مردم برای دستیابی به آب، باید تحمل سختی ها کنند و با ظرف از چاه آب بیرون آورند، چون این کار، کار آسانی نیست، کمتر کسی به آن تن می دهد و لذا این چاه در زمان غیبت، بدون استفاده مناسب به صورت معطل باقی می ماند.

در این میان، تنها عده بسیار بسیار اندکی هستند، که با زاری، تضرع، عجز و لابه، با سختی از آن استفاده می نمایند و همواره در دل آرزو می کنند که این چشمه زلال آشکار شود و الطاف و نعمت های آن بر زمین جاری گردد. (۱۸)

منابع:

۱- فرهنگ الفبایی مهدویت، مجتبی تونه ای، ص ۲۵۲ به نقل از کمال الدین، ج ۱، باب ۲۶، ح ۱۳

- ۲- همان ص ۲۷۲ به نقل از کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۸، باب ۳۰، ح ۵
- ۳- کمال الدین/ باب ۳۴/ ح ۴
- ۴- اوصاف المهدی احمد سعیدی صص ۷۷-۷۸ به نقل از اصول کافی، ج ۱ ص ۳۲۲
- ۵- نجم الثاقب میرزا حسین نوری، ج ۱، باب ۲ ص ۱۱۲
- ۶- آفتاب در غربت ص ۳۴۸
- ۷- اصول کافی/ کتاب الایمان والکفر/ باب فی قلّة عدد المؤمنین/ ح ۱
- ۸- آفتاب در غربت، سید محمد بنی هاشمی ص ۳۴۰
- ۹- اصول کافی/ کتاب الایمان والکفر/ باب فی قلّة عدد المؤمنین/ ح ۱
- ۱۰- آفتاب در غربت ص ۳۴۸
- ۱۱- غیبت نعمانی/ ص ۱۸۸
- ۱۲- بحار الانوار/ ج ۵۲/ ص ۱۵۴
- ۱۳- معرفت و بندگی ص ۱۰۰
- ۱۴- آب گوارا؛ پژوهشی درباره معرفت، غیبت، غربت، شکر نعمت، انتظار فرج و دعا در حق امام عصر(ع) ص ۱۵۵
- ۱۵- همان ص ۱۶۰
- ۱۶- سلسله درسهای مهدویت ص ۷۵
- ۱۷- همان به نقل از تفسیر کنز الدقائق، جلد ۹، ص ۱۱۳، به نقل از مجمع البیان
- ۱۸- همان ص ۹۱ و ۹۰